موانع موجود در مسیر اهدای عضو و نجات جان هزاران انسان بررسی شد

# جاودانگی با اهدای عضو

**گروه اجتماعی**

**ادامه از صفحه اول**

اهدای عضو، انتقال اعضای بدن یک فرد به فرد دیگر برای نجات جان یا بهبود کیفیت زندگی اوست. برخی از ارگان‌ها و بافت‌ها را می‌توان زمانی که شخص اهداکننده زنده است به شخص دیگری پیوند زد مانند یکی از کلیه‌ها یا بخشی از کبد اما در بیشتر موارد اهدای عضو زمانی صورت می‌گیرد که فرد اهداکننده دچار مرگ مغزی شده باشد که معمولا به دلیل امتناع خانواده‌ها هرسال جسد حدود ۲ هزار فرد مرگ مغزی به خاک سپرده می‌شود در حالی که هریک از آن‌ها، می‌توانستند جان ۸ انسان دیگر را نجات دهند.

مطالعات نشان داده که یکی از عوامل اصلی کمبود اعضای پیوندی و درواقع مهمترین عامل محدود کننده آن، عدم رضایت‌خانواده‌است. در اغلب کشورهای جهان فرآیند اهدای عضو به تصمیم خانواده متوفی بستگی دارد و این تصمیم به وسیله عوامل متعددی تحت تاثیر قرار می‌گیرد که ازجمله این عوامل زمینه‌های فرهنگی و ارائه اطلاعات غلط است، اطلاعاتی که به ازدست‌رفتن جان بیماران منجرشده است. مطابق آمارهای رسمی بیش از ۲۵ هزار نفر در لیست انتظار پیوند اعضا قرار دارند و بنا بر اظهارات کتایون نجفی‌زاده، مدیرعامل انجمن اهدای عضو، در گفت‌وگو با خبرآنلاین «تصادفات رانندگی شایع‌ترین علت مرگ مغزی در ایران است و سالانه بین ۱۶ تا ۱۸ هزار مرگ ناشی از تصادف وجود دارد که از این میان، سالانه حدود ۷ تا ۸ هزار مورد آنها مرگ مغزی است و تنها نیمی از این بیماران، قابلیت اهدا دارند؛ به عبارتی، ما سالانه ۳ تا ۴ هزار مورد مناسب اهدای عضو در ایران داریم، اما درواقع کمتر از یک سوم آنها اهدای عضو می‌کنند. هم‌چنین هرساله حدود ۳ هزار نفر نیز بر اثر نبودن عضو پیوندی از دنیا می‌روند.»

### یک درصد هم احتمال ندارد بیمار مرگ مغزی به زندگی برگردد

یکی از اعضای انجمن اهدای عضو ایرانیان در بازخوانی چالش‌های متعدد در مسیر اهدای عضو در ایران، به «ما» می‌گوید: «هر مورد مرگ مغزی می‌تواند جان یک تا هشت بیمار نیازمند پیوند عضو را نجات دهد. طبق برآوردهای انجام شده، اهدای نسوج به بیماران نیازمند، کیفیت زندگی ۵۸ بیمار را ارتقاء می‌بخشد و از طرفی باید توجه کرد که حتی یک درصد هم احتمال ندارد بیمار مرگ مغزی به زندگی برگردد و یافته‌های مطالعات ما نشان می‌دهد اکثر خانواده‌های رضایت نداده به اهدای عضو مرگ مغزی، مفهومی پرتناقض و غیرقابل باور از این موضوع در نظر دارند. آنها به دلایل مختلف حاضر به قبول واقعیت مرگ متوفی نمی‌شوند و امیدوار به بهبود و بازگشت بیمار هستند؛ چیزی مثل معجزه یا اتفاقی که موجب بازگشت بیمار مرگ مغزی می‌شود. اما خانواده‌هایی که به این موضوع اعتقاد و عدم بازگشت بیمار مرگ مغزی را باور دارند گاهی حتی قبل از درخواست پزشک برای اهدای عضو، پیشقدم می‌شوند. بنابراین «آمادگی شناختی» هم در شکل‌گیری تصمیم درست برای اهدای عضو بیمار مرگ مغزی نقش مهمی دارد و اکثر خانواده‌های رضایت دهنده، کسب «آمادگی شناختی» را حاصل اطلاعات رسانه‌های گروهی دانسته‌اند. البته جز در موارد استثناء، در اغلب موارد اطلاعات غلطی در رسانه‌ها و سریال‌های تلویزیونی به مخاطبان ارائه شده و این موضوع باعث شده خانواده فرد دارای مرگ مغزی، به اشتباه فکر کند عزیزش دوباره به زندگی برمی‌گردد یا خانواده‌ای که برای اهدا رضایت داده‌است، پشیمان می‌شود. به همین دلیل برای نهادینه کردن فرهنگ اهدای عضو، باید اطلاعات درست ارائه کرد. علاوه براین باید سامانه‌ای جامع به منظور اهدای عضو در کشور تعیین شود تا در صورت وجود بیمار مرگ مغزی، در این سامانه اعلام و گروه آموزش دیده از خانواده رضایت بگیرند و کارهای قانونی برای اهدا انجام شود. در حال حاضر پرستاران و پزشکان بیمارستان‌ها برای تشخیص و مواجهه با خانواده‌ها آموزش می‌بینند.»

### تفاوت مرگ مغزی با کما

این عضو انجمن اهدای عضو ایرانیان با تاکید براینکه باید تفاوت مرگ مغزی با کما را مورد توجه قرار داد، می‌گوید: «در مرگ مغزی، خونرسانی مغز مختل می‌شود. در این حالت پس از ۶ دقیقه نارسایی خون و اکسیژن به مغز؛ سلول‌های مغزی میرند و امکان بهبودی و بازگشت بیمار مرگ مغزی به هیچ عنوان وجود ندارد، این در حالی است که در شرایط کما مغز نسبت به احساسات و عواطف و واکنش‌های محیطی پاسخ نمی‌دهد، اما عملکرد اندام‌های داخلی بدن را کنترل می‌کند. بیمارانی که در شرایط کما هستند امکان بازگشت به زندگی دارند اما امکان بهبودی و بازگشت بیمار مرگ مغزی به هیچ عنوان وجود ندارد، با مرگ سلول‌های مغزی ۱۰۴ نوع سم در بدن تولید می‌شود و ارگان‌ها در محیط سمی خون دچار آسیب و تخریب می‌شوند، بنابراین ارگان‌های بیماران مرگ مغزی را بین ۱۲ تا ۱۴ روز با تکنیک‌های پیچیده تنفس مصنوعی و دارو نگهداری می‌کنند.»

او براهمیت آموزش و آگاهی بخشی در خصوص تفاوت مرگ مغزی با کما تاکید و عنوان می‌کند: «در بیش‌تر کشورها یک یا دو متخصص مرگ مغزی را تأیید می‌کنند اما در ایران این کار را چهار متخصص انجام می‌دهند و پس از آن هم یک متخصص پزشکی قانونی، کار چهار پزشک متخصص را تأیید و از خانواده بیمار رضایت می‌گیرد. یکی از مواردی که منجر به عدم رضایت خانواده‌های بیماران مرگ مغزی برای اهدای عضو می‌شود، عدم آگاهی تفاوت شرایط مرگ مغزی با کماست؛ بنابراین اگر همین مسئله را آموزش دهیم اکثر خانواده‌ها برای اهدای عضو رضایت خواهند داد. معمولا قاطبه خانواده‌های رضایت داده نسبت به مرگ مغزی، در مورد برگشت ناپذیری و عدم بهبود آگاهی و اطلاعات قبلی داشته و آن را عاملی موثر در تصمیم به اهدای عضو ذکر کرده‌اند. البته تجربه نیز یکی از عوامل موثر بر تصمیم‌گیری در اهدای عضو است.

تجربیات کمک کننده نظیر مواجهه قبلی با افراد نیازمند عضو، تجربه فوت فرد نیازمند پیوند در بستگان و آشنایان و اطلاع از وضعیت جسمی و زندگی افراد نیازمند به پیوند در تصمیم به موافقت با اهدای عضو تاثیرگذار است. در این میان می‌توان به نقش عوامل دیگری مانند باورها و انگیزه‌های انسان دوستانه هم اشاره کرد.

از جمله این باورها، اعتقاد به حق بودن و اجتناب‌ناپذیری مرگ و نیز پایان نیذیرفتن زندگی با مرگ، اعتقاد به تقدیر و سرنوشت و آرامش روحی متوفی با اهدای عضو است. حتی در خانواده‌هایی که تصمیم به اهدای عضو نگرفته بودند این باورها در تصمیم‌گیری موثر بوده است.»

### تاثیر «زمان اطلاع خانواده‌ها از مرگ مغزی بیمار» بر تصمیم به اهدای عضو

این را هم باید در نظر داشت که تمام خانواده‌های رضایت داده یا رضایت نداده به اهدای عضو - به صورت ناگهانی، بدون سابقه و غیر منتظره، با حادثه منجر به مرگ مغزی دچار حالت شوک می‌شوند و با توجه به عامل کیفیت و زمان مواجهه خانواده‌ها باید سعی شود خبر مرگ مغزی و درخواست اهدا در روزهای متفاوت به خانواده اطلاع داده شود تا شوک و ناباوری خانواده کمتر شود و از طرفی باید در جریان پیشرفت بیماری و نیز مدارک و علائم دال بر مرگ مغزی به طور مستمر قرار گیرند. پزشکانی که از نزدیک با پروسه اهدای عضو مواجه‌اند، بر این موارد صحه می‌گذارند و معتقدند که «زمان اطلاع از مرگ مغزی بر پذیرش واقعیت و تصمیم‌گیری تاثیر دارد. خانواده‌هایی که مدت زمانی بین بستری تا مرگ بیمارشان سپری شده، در واقع به صورت تدریجی جهت رویارویی با تشخیص مرگ مغزی و پذیرش و درک واقعیت آماده شده‌اند.»

البته نقش پزشک معالج و باور خانواده متوفی به تخصص و تعهد او در پذیرش این مسئله سهم بسزایی دارد.

دکتر بهرام خسروی، متخصص مغز و اعصاب در این باره می‌گوید: «اگرچه درخواست اهدای عضو مرگ مغزی اغلب از سوی پزشک بیمار به خانواده‌ها داده شده، اما اکثر خانواده‌ها به خصوص خانواده‌های رضایت داده، پس از اطلاع از تشخیص و درخواست اهدا، به پزشکان معتمد خود که اغلب خارج بیمارستان هستند مراجعه می‌کنند. تایید یا عدم تایید مرگ مغزی توسط آنها نقش مهمی در سرنوشت تصمیم‌گیری آنها ایفا می‌کند. هرچند در برخی موارد نیز خبر مرگ مغزی و درخواست اهدای عضو توسط پزشک درخواست کننده - نه پزشک معالج - به خانواده داده می‌شود، لذا قابلیت جلب اعتماد خانواده و کیفیت تعاملی که با خانواده برقرار می‌شود، همراه با قدرت مجاب کردن خانواده و نیز کیفیت اطلاعات ارائه شده توسط پزشک نقش مهمی در کنار سایر عوامل بر سرنوشت تصمیم به اهدا دارد. در مقابل بعضی از خانواده‌ها که به اهدا رضایت نمی‌دهند، توضیحات پزشک درخواست کننده را ناکافی و غیر مجاب کننده ذکر کرده و دچار تردید می‌شوند.»

به باور این پزشک، اهدای عضو مقوله‌ای پیچیده است و نیاز به فرهنگ‌سازی در بطن جامعه دارد و به نظر می‌رسد رضایت متوفی در زمان حیات به صورت علنی یا تلویحی، ثبت نام و دریافت کارت اهدای عضو و ترویج و فرهنگ‌سازی این اقدام نیکو در موافقت خانواده متوفی تاثیرگذار است.

این متخصص مغز و اعصاب در ادامه تاکید می‌کند: «به‌رغم وجود کارت اهدای عضو، اگر اعضای خانواده بیمار مرگ مغزی رضایت ندهند، اهدای عضو انجام نمی‌شود. در واقع افراد با دریافت کارت اهدای اعضا تمایل قلبی خود را برای اهدای عضو در صورت مرگ مغزی به خانواده اعلام می‌کنند و تجربه نشان داده بیمارانی که دارای این کارت هستند تصمیم‌گیری را برای اعضای خانواده راحت‌تر می‌کنند. کارت اهدای عضو با اینکه ضمانت اجرایی ندارد ولی بهترین ابزار برای جلب رضایت خانواده در لحظات بحرانی است.

علاوه براین، گرفتن این کارت و اطلاع دادن به دیگران درباره آن نوعی فرهنگ‌سازی برای ترویج اقدام انسانی است. مطابق نتایج پژوهش‌ها با دارا بودن این کارت، حدود صد درصد خانواده‌ها به اهدای عضو فرد متوفی رضایت می‌دهند و در نقطه مقابل خانواده متوفیان فاقد کارت رضایت اهدای عضو، تنها ۴۸ درصد به اهدای عضو رضایت می‌دهند. البته در کشورهای مختلف شیوه‌های متعددی در این زمینه اتخاذ شده است، در برخی کشورها برای اهدای عضو به رضایت خانواده نیازی نیست، مگر آنکه متوفی در زمان حیات خود به شکل کتبی مخالفتش را با اهدای اعضای بدنش به ثبت رسانده باشد. در برخی از کشورها نیز اخذ رضایت خانواده الزامی است. به عنوان نمونه در کشورهایی چون آلمان شهروندان پیش از مرگ کارت اهدای عضو دریافت می‌کنند اما در کشوری مثل اتریش فردی که نمی‌خواهد اعضای بدنش را اهدا کند، باید مخالفت خودش را پیش از مرگ اعلام کرده باشد و در غیر این صورت اگر دچار مرگ مغزی شود، حتماً اعضای قابل پیوند او برداشته می‌شوند. البته این اقدام هم مخالفت‌های زیادی به همراه داشته است. در ژاپن با این که از سال ۱۹۹۷ قانون پیوند اعضا به امضا رسیده اما هنوز به علت ملاحظات اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی، این تلاش‌های انسانی برای نجات افراد در جامعه از پذیرش مطلوبی برخوردار نیست. در اسپانیا نیز ۵۳ سال است فرهنگ‌سازی شده که مرگ مغزی مساوی با مرگ است، اقدامی که در ایران صورت نگرفته است.»

### با گذشت هر یک ساعت، شرایط برای اهدای عضو متفاوت می‌شود

تیر ماه سال گذشته، رئیس مرکز مدیریت پیوند و درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت که ایران رتبه اول اهدای عضو در منطقه خاورمیانه و رتبه ۳۶ در دنیا را داراست.

براساس گفته‌های دکتر امیرحسام علیرضایی، «۲۵ هزار بیمار در فهرست پیوند اعضا قرار دارند و به طور میانگین روزانه هفت تا ۱۰ بیمار نیازمند عضو هم فوت می‌کنند. سالانه سه هزار مرگ مغزی قابل اهدا در کشور رخ می‌دهد که از این تعداد تنها هزار مرگ مغزی به اهدا رسیده و اعضای قابل اهدای دو هزار بیمار مرگ مغزی به خاک سپرده می‌شود.» درباب چرایی این موضوع، دکتر امید قبادی، نایب رئیس هیئت مدیره انجمن اهدای عضو ایرانیان در گفت‌وگویی مطرح کرده است: «تأخیر در رضایت دادن خانواده‌ها برای اهدای عضو، معضل جدی برای فعالان این حوزه است. با این که به استناد بررسی‌های علمی، بین یک تا ۱۴ روز زمان برای اهدای عضو وجود دارد اما گزارش‌ها نشان می‌دهند با گذشت هر یک ساعت، شرایط برای اهدای عضو متفاوت می‌شود.»

به گفته قبادی، «در کشوری مانند اسپانیا، بین سه تا پنج دقیقه زمان لازم است تا خانواده‌ای برای اهدای عضو فرزندش رضایت دهد اما در ایران این زمان بین ۶ تا ۹۰ ساعت است. یکی از دلایل آن هم اطلاعات کم افراد است و با ازدست دادن زمان حیاتی برای اهدای عضو، عضو اهدایی عملا بی‌مصرف خواهد بود.» در بسیاری از کشورها ازجمله در آمریکا کتاب‌ها و فیلم‌های زیادی درباره پیوند اعضا وجود دارد که خیلی از مردم را ترغیب می‌کند پیش از وداع با عزیزانشان اعضای حیاتی او را اهدا کنند تا جان بیماران دیگری را نجات بدهند، با این حال در ایران آثار زیادی در این زمینه وجود ندارد و همچنان تلاش برای ترویج اهدای عضو به عنوان یک ایثار انسانی، دشوار است. درحالی که انکار فوت بیماران مرگ مغزی، مثل این است که جلوی تدفین فرد متوفی را به امید زنده شدن بگیرید. پزشکان در پاسخ به این سوال که وقتی ارگان‌های حیاتی بدن از کار می‌افتد و تا هنگامی که سلول‌های بدن به طور کامل بمیرد چه زمانی را مرگ مغزی تلقی می‌کنیم، می‌گویند: «از نظر اخلاق پزشکی، درخصوص زمان دقیق مرگ مغزی افراد سه دیدگاه وجود دارد. در دیدگاه اول با توقف ضربان قلب و ریه فرد، مرگ واقعی رخ می‌دهد. در دیدگاه دوم مغز تنها عضوی است که مرگ قطعی را نشان می‌دهد و زمانی که مرگ مغزی تایید شد اما عضوهای دیگر بدن کارکرد خود را ادامه داد مرگ مغزی تلقی می‌شود. دیدگاه سوم این که فرد دچار مرگ مغزی دارای حیات غیرمستقره است یعنی در این نوع حیات زندگی فرد منوط به کارکرد دستگاه‌های پزشکی نظیر آی سی یو است و با جدا کردن این دستگاه‌ها، ارگان‌های حیاتی فرد قادر به ادامه حیات نیست. در این دیدگاه این نوع از حیات، مرگ مغزی تلقی می‌شود.»

### موانع اجتماعی اهدای عضو

هر کشوری با توجه به ارزش‌ها و هنجارها و بافت فرهنگی خود، به گونه‌ای با مسئله مرگ مغزی و پیوند اعضا برخورد کرده و این مشکل را به شکل خاص و منطبق با فرهنگ حاکم بر جامعه حل نموده است. کشور ما هم با توجه به پیشرفت‌های روزافزون پزشکی خود با تصویب قوانین سعی در رفع ابهامات کرده است.

وضعیت پیوند عضو و میزان رشد آن در ایران نیز طی سه دهه گذشته بسیار مطلوب بوده است؛ به طوری که رتبه نخست پیوند عضو در آسیا از آن ایران است. با این همه موانع مهمی در تمایل خانواده‌ها به اهدای عضو وجود دارد. علی میرزامحمدی، جامعه شناس در گونه شناسی این موانع به چند عامل اصلی اشاره کرده است: «نخست موانع عاطفی؛ براین اساس حس عاطفی خانواده به‌ویژه والدین اجازه نمی‌دهد تصمیم‌گیری مناسب انجام دهند. عشق و علاقه شدید آنها به عزیز مرگ مغزی، اندوه شدیدی تحمیل می‌کند که قوه تفکر منطقی را از آن‌ها سلب می‌کند. دوم، موانع شناختی- فرهنگی است که عدم شناخت و بینش نامناسب خانواده‌ها و عدم بستر مناسب فرهنگی، هاله‌ای به وجود می‌آورد که مانع تمایل قلبی آنها به اهدای عضو می‌شود. ضعف اطلاعات درباره مرگ مغزی از جمله این موارد است. خانواده‌ها چون فرد را در قید حیات تصور می‌کنند، مرگ مغزی را مفهومی مبهم می‌دانند. برخی خانواده‌ها از وضعیت افراد دریافت کننده اطلاعاتی ندارند و این عدم شناخت مانع از احساس همدردی با آنها می‌شود. از طرف دیگر بستر فرهنگی مناسب از طرف رسانه‌های بانفوذ فراهم نمی‌شود. سوم عدم پذیرش واقعیت و امیدواری افراطی است که باعث می‌شود خانواده‌ها واقعیت امر را نپذیرند. آنها اعتمادی به کادر پزشکی ندارند. برخی از آنها حتی استدلال‌های به ظاهر منطقی دارند، اینکه هر روز پیشرفت تازه‌ای در علم پزشکی ایجاد می‌شود. حتی عده‌ای با اتکای به آموزه‌های دینی به معجزه اشاره می‌کنند.»

این جامعه شناس معتقد است: برای از میان بردن بسیاری از این موانع، علاوه بر نقش آموزشی مدارس، رسانه‌ها به ویژه جراید، و فضای مجازی می‌توان به نقش حوزه‌های علمیه و مراجع و نفوذ رسانه‌های سنتی چون خطابه و منبر نیز اشاره نمود. خوشبختانه در دهه ۹۰ بسیاری از این موانع تضعیف شده‌اند ولی برای افزایش میزان تمایل به اهدای عضو لازم است برنامه ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی منسجمی مد نظر قرار گیرد.

---

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) مربوط به وسیله نقلیه سواری پراید مدل ۱۳۸۱ به رنگ سفید به شماره نیروی انتظامی ۸۲۷ب۴۸ ایران ۷۲ به شماره موتور ۰۰۳۸۱۸۳۱ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۱۸۴۸۶۵۳ متعلق به آقای حسین محمدزاده فرزند فضل اله به کد ملی ۲۱۴۰۴۸۸۵۵۹۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) مربوط به وسیله نقلیه سواری پراید مدل ۱۳۸۳ به رنگ قرمز به شماره نیروی انتظامی ۲۳د۴۹۸- ایران ۶۹ به شماره موتور ۰۰۸۷۸۹۲۱ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۳۲۶۹۶۲۷ متعلق به آقای اسحق کشیرتوکنده فرزند قاسمعلی به کد ملی ۲۲۴۹۷۱۰۴۳۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت خودرو مگان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۹۱ به رنگ سفید به شماره موتور K۴MD۸۱۲D۲۰۴۲۱۹ و شماره شاسی A۱۰۲۶۴۱۳ به شماره شهربانی ۳۶۶ب۹۵ ایران ۶۸ به نام صادق جورابلو شماره ملی ۰۳۲۰۳۱۲۶۸۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت خودرو پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۴ به رنگ نقره ای به شماره موتور ۱۲۴۸۴۲۳۰۳۲۱ بشماره شاسی ۱۳۲۱۵۷۳۰ به شماره شهربانی ۳۱۷ج۱۷ ایران ۹۵ به نام الهداد اربابی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت تک برگی سه دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان به شماره ملک دو هزار و بیست و یک فرعی از دو اصلی مفروز و مجزی شده از یک هزار و پانصد و نوزده فرعی از اصلی مذکور قطعه دو تفکیکی، به نام احد عبدی فرزند حیدر به کدملی ۱۵۵۲۴۹۱۰۶۴ متولد ۱۳۶۱ به شناسه یکتا ۱۴۰۰۲۰۳۰۴۰۰۲۰۰۲۸۳۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب سمیه مقتدر بنگچه فرزند حسین به شماره ملی ۰۰۷۰۹۹۸۰۳۵ در مقطع کارشناسی پیوسته رشته حقوق به شماره ۲۴۴۲۵ (۱۳-۱۵-۳)-۸/۸/۱۳۹۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه به نشانی، اتوبان شهید درخشی، دانشگاه آزاد اسلامی ارسال نماید.

کارت ماشین و برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۸ به شماره انتظامی ۵۹- ۹۹۲ج۲۱ و شماره موتور ۲۸۳۳۰۳۹ و شماره شاسی S۱۴۴۲۲۸۸۲۰۲۴۸۹ به مالکیت علیرضا طاهری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانب عباس حاجی دولو مالک خودرو سواری هاچ بک پژو ۵۲۰۶TU مدل ۱۳۹۷ به شماره انتظامی ۳۹۵ ط ۲۲ ایران ۵۳ به شماره شاسی NAAP۱۳FE۱JJ۶۷۰۸۴ به شماره موتور ۱۷۲B۰۰۳۵۶۴۸ به علت فقدان اسناد فروش (سند کمپانی) تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکانشهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

کلیه مدارک سند مالکیت (برگ سبز) سند کمپانی - کارت سوخت - کارت ماشین - خودرو پیکان رنگ سفید مدل ۱۳۸۲ به شماره انتظامی ایران ۵۳- ۲۴۵ج۴۷ شماره موتور ۱۱۲۸۲۰۰۳۴۵۰ و شماره شاسی ۰۰۸۲۲۸۸۱۷۱ به مالکیت رویا ناصری به کد ملی ۱۲۸۴۷۱۹۹۹۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل مجوز حمل اسلحه شکاری یک لول ساچمه زنی مدل نیمه خودکار ساخت ترکیه به شماره سلاح ۹۷۹۶۰۲۴۴ به نام سیاوش منصوری مطلق فرزند علی به شماره ملی ۱۹۲۰۰۷۴۵۵۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز و پلاک پژو ۴۰۵ مدل ۹۳ رنگ نقره ای به شماره شهربانی ۷۶۲ی۵۶ ایران ۶۵ به شماره موتور ۱۲۴K۰۴۴۱۶۵۱ شماره شاسی ۴۸۰۹۷۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز پراید مدل ۸۴ رنگ سورمه ای به شماره شهربانی ۶۶۳ب۶۲ ایران ۶۵ به شماره موتور ۱۰۹۸۴۵۸ و شماره شاسی ۱۴۱۲۲۸۴۴۷۹۱۶۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت خودرو سواری پژو ۷۴۰۵GLX-XU مدل ۱۳۹۳ نقره ای متالیک به شماره موتور ۱۲۴K۰۵۲۸۱۸۷ و شماره شاسی NAAM۰۱CA۷EK۶۵۵۹۱۱ و شماره انتظامی ایران ۲۱- ۷۹۲ ص ۶۸ به نام مجتبی وقاری به شماره ملی ۴۸۹۹۵۹۹۴۶۳ فرزند میرزاجان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مدرک تحصیلی اینجانب فرید پوررجبی فرزند شیرعلی به شماره شناسنامه ۴۸۵۰۱۷۰۴۶۳ صادره از خرم آباد در مقطع کاردانی رشته حسابداری صادره از واحد دانشگاهی علمی کاربردی آریا گچ پلدختر به شماره ۹۷۲۳۶۲۴۵۱۷۰۰۰۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه علمی کاربردی آریا گچ پلدختر به نشانی لرستان پلدختر جنب کمیته امداد امام خمینی (ره) ارسال نماید.

پروانه اشتغال به کار مهندسی به نام آقای مهندس داود وکیلی به کد ملی ۶۲۷۹۹۵۶۷۲۵ در رشته مهندسی عمران - عمران به شماره عضویت ۱۰۴۶۸-۳۰۰-۱۲ صادره از نظام مهندسی ساختمان استان مازندران و شماره پروانه اشتغال ۰۴۳۲۲-۳۰۰-۱۲ مورخه ۱۳۹۷/۸/۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل پروانه حمل سلاح شکاری ۳۳۲۷۰۱۱ به شماره سریال ۲۸۱۹۶۳۱ متعلق به آقای / خانم ناهید رضایی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۹۰ به شماره شاسی CA۶BK۲۶۲۵۰۳۸ به شماره موتور ۱۲۴۹۰۱۴۵۴۲۳ به نام امیرحسین شفیعی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

گواهینامه موقت پایان تحصیلات دوره کارشناسی پیوسته رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش محض اینجانب خانم ساره یارمحمدی ارزه‌ئی فرزند ابراهیم به شماره ملی ۰۷۴۹۸۲۳۱۷۸ متولد ۱۳۶۷ صادره از ایران تایباد در مقطع کارشناسی پیوسته در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۳۰ از دانشگاه پیام نور واحد تایباد فارغ التحصیل شده مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به نشانی خراسان رضوی شهرستان تایباد خیابان دانشگاه پیام نور واحد تایباد و به واحد فارغ التحصیلان ارسال نماید.

اصل برگ سبز خودروی سواری هاچ بک پژو ۲۰۶ تی یو تری مدل ۱۳۹۸ به رنگ سفید به شماره موتور ۱۸۲A۰۰۷۵۰۴۵ به شماره شاسی NAAP۰۳EE۴KJ۷۴۵۰۹۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و کارت ماشین کامیون کانتینر چادری سیستم کاویان مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۵۶۷ ع ۱۸ ایران ۲۷ به شماره موتور EQ۴BTAA ۳۹۸۷۰۷۵۲۷۸ به شماره شاسی NA۰K۱۰۶۳CAS۵۸۰۷۳۶ به مالکیت رامین بیرامی بورشان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری جک J۴ مدل ۱۴۰۳ رنگ سفید به شماره انتظامی ۳۷۲ ب ۳۹ ایران ۶۰ و شماره موتور ۲۳DR۰۰۰۴۶۰۰ و شماره شاسی ۱۳۸۹۳۵ به نام خانم مریم حاجی آقائی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت و سند کمپانی و برگ سبز موتورسیکلت بهرو مدل ۱۳۹۸ رنگ آبی به شماره انتظامی ۶۹۲۷۵- ایران ۶۳۳ و شماره موتور ۵۱۱۵۳۷ و شماره تنه ۵۱۱۵۳۷ به نام مهدی قطبی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو وانت زامیاد به تیپ Z۲۴NiB به رنگ آبی روغنی به مدل ۱۳۹۰ دوگانه سوز و شماره موتور ۶۲۰۸۹۲ و شماره شاسی NAZPL۱۴۰TB۳۳۷۱۳۵ به شماره پلاک ۲۱- ۲۶۴ط۸۲ به نام عیسی وکیلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند سواری سمند LX-EF۷ به شماره موتور ۱۴۷۹۰۰۵۵۸۰۷ و شماره شاسی NAACR۱HS۳CF۵۰۵۶۸۷ به شماره پلاک ۲۴- ۹۵۳ و ۴۶ به نام محمد رضا پایور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند کمپانی خودرو سواری ۲۰۶ به شماره پلاک ۵۴۸م۱۳ ایران ۲۴ رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۹ به شماره موتور ۱۶۷B۰۰۷۹۰۳۰ به شماره شاسی NAAP۱۳FE۴LJ۰۴۰۵۴۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز سواری پیکان رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۲ به شماره انتظامی ۱۱۱س۵۱ ایران ۴۳ و شماره موتور ۱۱۲۸۲۰۱۹۸۲۲ شماره شاسی IN۸۲۵۵۱۰۴۳ به نام علی شهبازی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز موتورسیکلت نامی ۱۲۵ مدل ۱۳۹۵ به رنگ مشکی به شماره انتظامی ۷۷۸۱۱- ایران ۶۳۱ و شماره موتور ۰۱۲۴NBE۰۵۰۵۷۳ و شماره تنه ۱۲۵A۹۵۰۶۲۵۳ به نام امراله ملکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز پژو پارس مدل ۹۶ رنگ سفید به شماره شهربانی ۳۸۹ س ۸۶ ایران ۷۵ به شماره موتور ۱۲۴K۰۹۹۵۷۸۶ به شماره شاسی ۷۵۳۱۶۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز سانتافه ۲۴۰۰ مدل ۲۰۱۵ رنگ سفید به شماره شهربانی ۱۸۴ و ۶۵ ایران ۴۵ به شماره موتور ۳۳۷۰۱۷ شماره شاسی ۳۲۳۲۶۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (سند مالکیت) سواری سمند LXXU۷ مدل ۱۳۹۹ به رنگ سفید به شماره موتور ۱۲۴K۱۴۸۹۵۰۴ به شماره شاسی NAAC۹۱CE۰LF۶۹۵۴۵۶ به شماره پلاک ایران ۶۹- ۴۴۰۹۴۵ به نام رقیه یادگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (سند مالکیت) و کارت شناسایی تراکتور کشاورزی ITM تیپ ۴۷۵ دو دیفرانسیل مدل ۱۳۹۹ به رنگ قرمز روغنی به شماره شاسی N۳HKTAD۲CLEW۰۱۰۶۲ و شماره موتور MT۴A۲W۲۶۷۰H به شماره پلاک ایران ۵۹- ۸۴۱ک ۴۷ به نام محمد ناروئی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (سند مالکیت) و سند فروش کمپانی سواری هاچ بک پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۲ به رنگ نقره‌ای و به شماره موتور ۳۸۳۵۸۵۷ و شماره شاسی ۸۲۶۴۰۸۳۳ و شماره پلاک ایران ۶۹- ۶۶۵ب ۷۴ به نام مجید سعادت پورمقدم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (سند مالکیت) خودروی سواری تیبا تیپ ۲۳۱ مدل ۱۳۹۲ به رنگ مشکی متالیک به شماره شاسی NAS۸۱۱۱۰۰D۵۷۲۸۳۹۲ و شماره موتور ۸۰۶۹۸۶۱ و شماره پلاک ایران ۶۹- ۵۷۱ب ۸۲ به نام محمدصباغ کلجائی به شماره ملی ۲۰۳۱۶۹۳۷۵۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند کمپانی و اصل شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سواری سیستم پژو تیپ آر دی ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۰ به شماره شاسی ۸۰۷۱۷۲۸۹ و شماره موتور ۲۲۳۲۸۰۱۷۴۴۹ به شماره پلاک انتظامی ایران ۳۴- ۴۵۷ و ۵۸ و به نام مالک محمد شیر فتح الهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز کامیونت ون زامیاد مدل ۱۳۹۸ به شماره انتظامی ۴۱- ۷۵۸ ج ۹۶ و شماره موتور Z۲۴۸۳۸۸۰۹ به شماره شاسی NAZPL۱۴۰TL۰۵۷۸۸۸۰ به نام ملوک قاسم گودرزی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مدرک تحصیلی اینجانب حسن فروغی سرانکلانرود فرزند فتح اله به شماره شناسنامه ۱۶۰۲۳۸۷۰۱۱ و شماره ملی ۱۱۰۲۳۸۷۰۱۱ صادره از هشترود مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی تکنولوژی برق قدرت از واحد دانشگاهی هشترود با شماره ۶۶۱۳ و تاریخ ۹